سیری در تبیین شاخص های معماری و شهرسازی اسلامی
نمونه پژوهی: کلانشهر مشهد

علیرضامحمودی ، پژوهشگر دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، پژوهشگاه مهندسی بحران های طبیعی شاخص پژوه، اصفهان[۱]

غزاله ربانی ابوالفضلی ، پژوهشگر دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، پژوهشگاه مهندسی بحران های طبیعی شاخص پژوه، اصفهان[۲]

چکیده

با ورود اسلام به ایران، معماری و شهرسازی رنگ و جلوه ای نو به خود می بیند. اسلام در اصولی که برای زندگی بهتر و شایسته تر برای انسان ها معرفی نمود به مفاهیمی چون عدالت، محرمیت، آسایش، درون گرایی، بی پیرایگی و غیره اشاره داشت. از این منظر تاثیرات قابل رویتی بر فرهنگ جامعه ایرانی از دیر باز تا کنون داشته که در عناصر تمدنی آن تجلی یافته است. در عصر کنونی همچنان مظاهر اصول اسلام در معماری و شهرسازی محسوس می باشد، در این رابطه برای درک صحیحی از سازگاری آن می توان شاخص هایی را معین کرد که با آن ها به ارزیابی میزان تحقق پذیری تفکر غالب اسلامی پرداخت. پرسش هایی در این میان قابل طرح شدن هستند. چگونه معماری و شهرسازی اسلامی که در ایران به وقوع پیوسته است، با شرایط عصر حاضر انطباق یافته است؟ و اینکه آیا امکان دارد با شاخص گذاری معماری و شهرسازی اسلامی، نقاط قوت و چالش ها در این زمینه یافت شود و از طریق آن به ارتقاء کیفی معماری و شهرسازی دست یافت؟ این دسته مسائل، ضرورت پرداختن به این موضوع خاص را مطرح می سازند.

کلمات کلیدی: معماری و شهرسازی اسلامی، تمدن، تحقق پذیری، شاخص گذاری، عصر کنونی

[۱] m۱۹۶۶.a@gmail.com

[۲] R_ghazale۶۲@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

شهر پدیده‌ای پیچیده است. این پیچیدگی نه‌تنها به اشکال ظاهری و فرم‌های متنوع آن، بلکه شدیداً به ماهیت به‌شدت ترکیبی و غامض شهر نیز برمی‌گردد. این ادّعا به این واقعیت پیچیده برمی‌گردد که شهر ماهیت خود را در یک سیر تکوینی در زمان ومکان کسب کرده و به موازات آن بر روندهای جاری خود تأثیر بارزی بر جای می‌گذارد. به اعتقاد نگارنده، شهرها حتی در اولیه‌ترین حالات پیدایش خود، سیستم‌هایی به شدت پیچیده‌اند، نه از این حیث که ترکیبی از کارکردها را در خود به نمایش می‌گذارند و یا وسعتی به مراتب گسترده‌تر و بزرگ‌تر از اشکال بدیل‌های سنتی خود را عرضه می‌کنند، بلکه به این دلیل که فرصتی برای بازتولید انگاره‌های ذهنی، فلسفی و اعتقادی و زمینه‌ای برای رشد تمامی جوانب اجتماع انسانی را فراهم می‌کنند، به‌عبارت دیگر تجلّی‌گاه تمامی آرمان‌های رفیع و خواستن‌های بزرگ انسانی هستند که در بسترگاه خود آن را پرورانده و عرضه کرده‌اند.

شهر اسلامی شهری است که با اصول اولیه اسلام همخوانی دارد و قابلیت انطباق با ضرورت های زندگی در هر مکان و هر زمانی را دارا می باشد. شهر اسلامی خود از دو بنیان اصلی معماری و شهرسازی تشکیل شده است. در باب معماری که عناصر تمدن ساز حکومت ها هستند شاخص های مربوط به مقیاس، مصالح، سادگی، پایداری، زیبایی و غیره مطرح می باشند و در موارد کلی مربوط به شهرسازی اصولی را می توان مد نظر قرار داد که در معماری نیز می شود آن ها را لحاظ نمود.

شهر به عنوان کالبدی که اسلام در آن حضور یافته و در آن توسعه یافته است برای دولت اسلامی به عنوان یک ضرورت تلقی می گردد (حبیبی، ۱۳۸۶، ۴۱). بنابراین شهر اسلامی مفهومی است که از دیرباز معنا داشته است و می تواند هم اکنون نیز محقق گردد. این مفهوم شایسته با شاخص های خود قابل سنجش می باشد، شاخص هایی که بر پایه قواعد کلی اسلام قرار دارد و با روح معماری و شهرسازی سنتی ما آمیخته شده است.

این تفسیر از شهر، محتوای سیری‌ناپذیری از عطش «بودن و شدن» است که در عین بی‌زمانی در کمند زمان مفهوم پیدا می‌کند، در عین بی‌فضایی در فضا تجلّی پیدا می‌کند، نوعی تداخل معنا در زمان و فضا، که در عین امتزاج و درهم‌آمیختگی، رعشه‌های ملموس و متمایز از بازتاب‌های عینی خود را نیز به نمایش می‌گذارد. به موازات پیچیدگی ابعاد ومولفه‌ها، درک معنایی از شهر نیز دشوار است. بی‌راهه نیست اگر بپذیریم که نظریه‌پردازان بسیاری کوشیده‌اند که در چارچوب انگاره سازی‌های مفهومی خود، درک مقبولی از شهر و ماهیت و روندهای تکاملی آن را به‌دست دهند، که ضمن منطق‌پذیر بودن، کارآمدی تبینی، مصداق گرایی و قابلیت شمولیت، بتواند زمینه لازم را برای درک صفات و خصیصه‌های آن ارائه نماید.

در این تحقیق ابتدا به شاخص های معماری و شهرسازی پرداخته می شود و سپس خصوصیات شهر اسلامی در سه بعد اساسی مورفولوژی، اقتصادی و اجتماعی مطرح می شود. در آخر نیز این شاخص ها در شرایط کنونی عصر حاضر مناسب سازی می شوند و بسترهای لازم آن تبیین می گردد. هدف عمده این تحقیق، تقویت باورپذیری تحقق شهر اسلامی در عصر کنونی است که با تبعیت از شاخص های شهر اسلامی به منصه ظهور می رسد.

شاخص های معماری و شهرسازی اسلامی

استاد پیرنیا پنج اصل معماری سنتی ایرانی را که با روح اسلامی و مفاهیم آن در هم آمیخته بود اینگونه معرفی می نماید: ۱) مردم واری، ۲) خودبسندگی، ۳) پرهیز از بیهودگی، ۴) نیارش و ۵) درونگرایی (توسلی و بنیادی، ۱۳۸۶، ۱۲۷). **مردم واری رعایت اصل مقیاس انسانی** به شکل مطلوب است و **خودبسندگی** به مفهوم استفاده حداکثر از امکانات موجود و در دسترس و مصالح بوم آورد است. **پرهیز از بیهودگی** دوری جستن از نصب مجسمه ها و نقش برجسته ها و تزیینات معمول در سرزمین های دیگر است. **نیارش** به ایستایی، مقاومت و پایداری بنا مربوط می شود و پیمون بر تعیین تناسب بین اجزاء بنا تکیه دارد و با زیبایی مرتبط است. **درون گرایی** نیز بر ساده سازی بیرون ساختمان ها و تزیین داخل آن ها تاکید می نماید.

علاوه بر شاخص های مذکور که کاملا منطبق با مفاهیم معماری است، اصولی را می توان مطرح کرد که هم در معماری و هم در شهرسازی در دستور کار معماران، برنامه ریزان و طراحان شهر اسلامی قرار می گیرد. این اصول شامل عدالت، رفاه، ایمنی و امنیت، حقوق شهروندی، زیبایی، نظم و تقارن، سلسله مراتب و کثرت می باشد که هرکدام به نوبه خود قابل شاخص گذاری هستند که به آن ها پرداخته می گردد.

عدالت : شاید بتوان یکی از شاخصترین اصول بنیادین الهی و انسانی حاکم بر مناسبات شهروندی در حوزه تعاملات اجتماعی را اصل عدالت دانست .اهمیت ذاتی عدالت, گستره و فراگیری آن در روابط اجتماعی و تأثیرگذاری آن برروند حرکت جامعه، امید آفرینی، نشاط آوری و پویایی سازی از مهمترین مواردی است که اصل عدالت را به اصل بی بدیل تعاملات انسانی و آرمان گریزناپذیر انسان در تمامی دورانها ساخته است (سنایی و احمدوند، ۱۳۸۷، ۱۸۳).

گستردگی کابرد اصل عدالت در تصمیم سازی، تصمیم گیری ها و وضع قوانین و مصوبات، اعمال و اجراء قوانین واگذاری و سلب مسئولیتها، وضع و اخذ عوارض، تنبیه و تشویقها، توزیع امکانات و تخصیص درآمدها، ارائه انواع خدمات شهری اعم از تفریحی و بهداشتی و درمانی، آن قدر واضح و پردامنه است که از یک سو نیازمند بازشماری نیست و از سوی دیگر فهرست کردن آن به سهولت ممکن نیست. این اصل از مهمترین اصول حاکم و ارزشگذار در مناسبات شهری است.

عدالت در شهر مشهد

بحث عدالت یکی از اصلی ترین موضوعاتی است که در حوزه پیشرفته الگوی ایرانی- اسلامی می توان بدان پرداخت. در این جا تنها به یکی از شاخص های آن یعنی آموزش به طور خاص رسیدگی می شود، با وجود اینکه شاخص های دیگری همچون دسترسی به خدمات، توزیع برابر مشاغل، بهره مندی از تسهیلات مسکونی متعادل در سراسر شهر و غیره وجود دارد. مطابق با نقشه ذیل کاملا مشخص است که در هسته مرکزی، جنوب و شرق شهر مشهد نرخ سواد بسیار پایین است، در عوض با سوادها به سمت غرب شهر گریخته اند یا بهتر بگوییم که دسترسی به امکانات آموزشی و عدالت در مناطق غربی مشهد بیشتر فراهم است، با وجود این که بیشترین درآمد شهرداری مربوط به حوزه رضوی است اما در آن جا هزینه نمی شود.

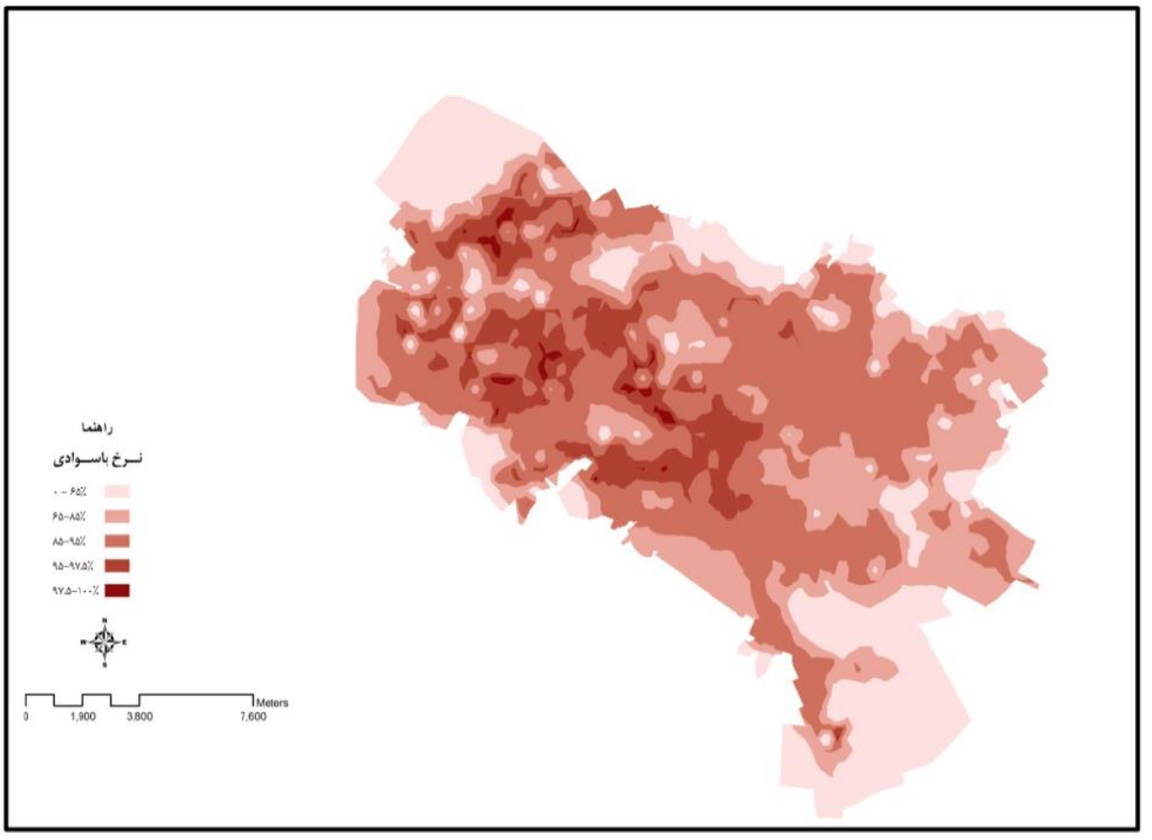

تصویر ۱) نقشه نرخ باسوادی کلانشهر مشهد

رفاه : مقصود از اصل رفاه آن است که ادیان الهی به غایت و غرض تربیت انسان کمال یافته می باشد که مقصود نهایی جز در فضای کمال یافتگی مادی انسان نمی تواند جلوه گر شود. انسان متعالی انسانی است که در زندگی خویش سربلند و در دنیای خود کریم و نکو داشته است، انسانی که در تأمین ابتدایی ترین نیازهای خویش وامانده و خوار پرسش ها شده است هرگز روح متعالی نخواهد یافت (سنایی و احمدوند، ۱۳۸۷، ۱۸۴).

تأمین رفاه شهروندان، فراهم آوردن شرایط برخورداری آنان از امکانات (در حد نیاز) میبایست از اهداف سامانه شهری، قواعد و ضوابط و قوانین حاکم بر آن باشد. از این روی مسئولان و متولیان امور شهری موظفند تمامی تلاش خود را برای تحقق این برخورداری و رفاه به صورت مستمر، شتابگر و متوازن با افزایش نیازهای بشری، مبذول دارند که اهتمام در به کارگیری تمامی امکانات موجود مادی و معنوی با انگیزه رفع فقر و تنگدستی و طراحی برای سامان امر معیشت از آن جمله می باشد.

رفاه در شهر مشهد

بیشترین سهم از کل اشتغال بخش خصوصی در شهرستان مشهد مربوط به مزد بگیران و حقوق بگیران (۴۶/۲درصد) و کمترین سهم مربوط به کارکنان فامیلی بدون مزد (۲/۴درصد) بوده است . با توجه به جمعیت روز افزون و حضور میلیونی زائرین و فعالیت گسترده صنوف می بایست از بازار به عنوان قوی ترین قطب اقتصاد یاد نمود و در حال حاضر در شهرستان مشهد حدود یکصد هزار واحد صنفی فعالیت دارند. باتوجه به جمعیت افزون وحضور میلیونی زائرین وفعالیت گسترده صنوف می بایست از بازار بعنوان قوی ترین قطب اقتصاد یاد نمود ودرحال حاضر درشهرستان مشهد حدود یکصد هزار واحد صنفی فعالیت دارند.

جمعیت سال ۸۵	تعداد مرد شاغل	تعداد مرد بیکار	تعداد مرد محصل	تعداد زن شاغل	تعداد زن بیکار	تعداد زن محصل
۲۴۲۷۳۱۶	۶۳۵۳۰۲	۴۰۵۳۷	۲۱۹۶۱۲	۱۰۹۰۸۷	۱۸۱۳۷	۲۴۰۱۴۳

جدول ۱) اطلاعات آماری سال ۱۳۸۵ مشهد

حکومت شهر هر قدر هم که همانند شهرداری مشهد توانمند باشد باز هم به همیاری شهروندان در راستای همکاری در برنامه های اجرایی و پروژه های خود نیاز دارد. بنابراین ما می بایستی با تکیه بر سرمایه اجتماعی که از ارکان اصلی توانمندسازی اجتماع محور می باشد، پیوندهای میان گروه های مختلف مردم را در راستای تحقق آرمان های شهر ایرانی- اسلامی مشهد تحکیم بخشیده و بر ایجاد سایر پیوندهای بالقوه تأکید نماییم. این پیوندها بر دو رکن اساسی پایه ریزی می شود: اول) اینکه پیوندهای قومی را بین مردم بالا ببریم و اقلیت‌ها را تا جایی که بر خواست اکثریت غلبه پیدا نکنند بپذیریم و دوم) می بایستی ساکنان با منزلت اجتماعی مختلف را در کنار هم سکونت دهیم تا از جدایی های اجتماعی- فرهنگی بکاهیم و اجتماعاتی را بدون قشر نخبه و کارآمد رها نسازیم. در ذیل محل سکونت هشت گروه عمده شغلی نمایش داده شده است:

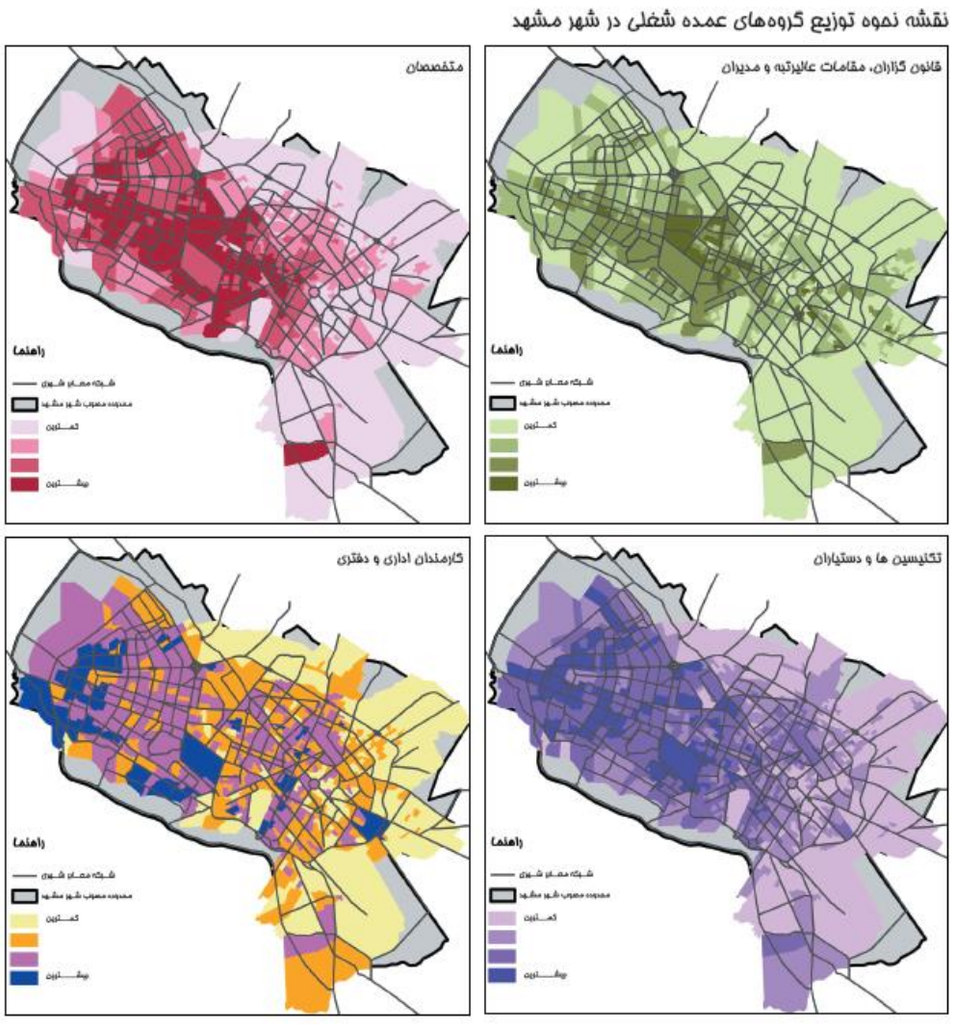

تصویر ۲) پراکنش مشاغل ۱

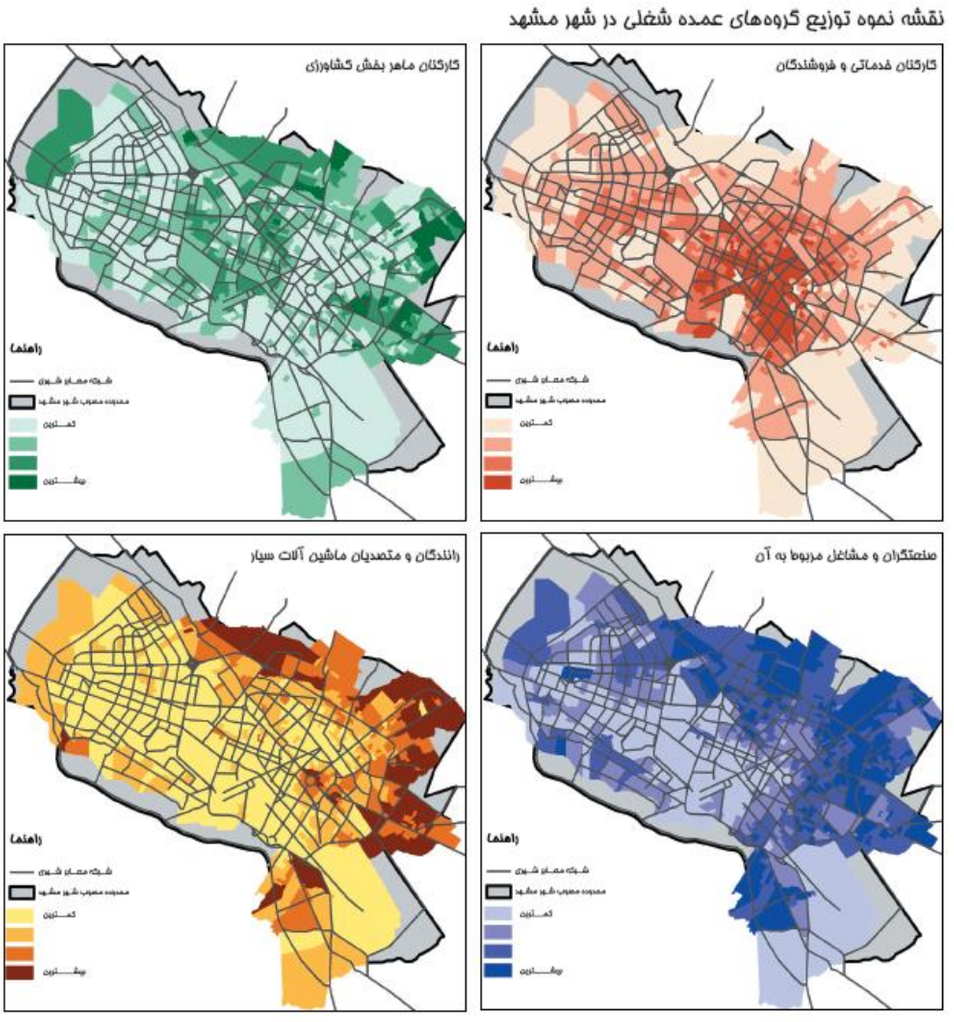

تصویر ۳) پراکنش مشاغل ۲

واضح است که اقتصاد شهر مشهد اقتصاد مبتنی بر صنعت توریست و تولیدات کارخانه ای می باشد. البته بایستی به یاد آورد که الگوی ایرانی- اسلامی شهری را سرمشق قرار می دهد که مولد و تولید کننده باشد و از طرفی به خاطر سابقه تاریخی آمیزش دین اسلام با تجارت و موقعیت بسیار خوب شهر مشهد می توان اقتصاد آن را پایدار نمود به شرط آنکه به جای ارائه خدمات به زائرین با برند شهر مذهبی خود به تجارت با شهرهای کشورهای همسایه بپردازد. مشهد به عنوان یک کلانشهر مطمئن در ایران می تواند نماینده خوبی برای تجارت با آن ها باشد. در سطح اقتصاد خرد نیز می توان گفت نرخ بالای بیکاری در شهر مشهد برازنده آن شهر نیست و مطمئناً تعداد مشاغل موجود پاسخگوی جمعیت آن نیست، شهری که بازارهای بین المللی دارد و به ترکمن ها و افغان ها شغل ارائه نموده است، چگونه می تواند ساکنان ایرانی بیکار داشته باشد، تمرکز حکومت شهری در زمینه اقتصاد بایستی بر افزایش امکان به کارگیری بیشتر ساکنان ایرانی صورت پذیرد تا تبعه های دیگر کشورها که دیگر محلی از اعراب در کشور ندارند.

تامین ایمنی و امنیت : امنیت از مهمترین شاخصه های جامعه بسامان و ناامنی از مهمترین مؤلفه های جوامع نابسامان به شمار می آید، شهر به عنوان مأمن و پناهگاه شهروندان با چند ویژگی تعریف می شود که در رأس آنها عنصر امنیت قرار داد. به بیان دیگر از مهمترین کارکردهای شهر تأمین ضریب بالای امنیت است. از این روی اصل تامین امنیت به عنوان یکی از کلیدی ترین اصول میبایست شاخص تصمیم گیری ها

و اقدامات در حوزه مسائل شهری باشد و هر فرایند و اقدامی که نافی امنیت یا کاهنده آن باشد می باید متوقف و هر رویکرد امنیت زا می بایست تقویت و پشتیبانی گردد (سنایی و احمدوند، ۱۳۸۷، ۱۸۵).

ایجاد، برقراری و تأمین امنیت فردی و جمعی شهروندان یکی از غایات و اهداف هر نوع برنامهریزی و تصمیم گیری در امور شهری حتی در احداث و ایجاد شهرها است و در آرمانشهر اسلامی هر نوع تصمیم گیری و برنامه ریزی امنیت زدا، نامعتبر و نامشروع است. در برنامهریزی شهرهای اسلامی باید لزوم فراهم آوردن ساز و کارهای مناسب سخت افزاری و نرم افزاری امنیت زا و مکان یابی جهت احداث مناطق شهری و طراحی ساختار شهری به گونهای که با کمترین آسیب پذیری توان تأمین امنیت شهروندان را داشته باشد و باید تأمین گردد.

امنیت در شهر مشهد

امنیت[۳] مفهومی ذهنی است که نسبت به ایمنی از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است، امنیت از ریشه «امن» گرفته شده که بر آرامش ذهنی تاکید دارد. در فرهنگ ایرانی- اسلامی به فضایی امن گفته می‌شود که محصوریت آن بین ۱به۱ تا ۱به۳ باشد و بعد از آن به تدریج حس امنیت کاسته می‌شود. محصوریت بیش از حد نیز، خود بر حس ناامنی دامن می‌زند. امنیت همیشه موضوعی نسبی است، اگر در یک فضاهای شهری خاص نسبت به مساحت آن، از یک تعدادی انسان کمتر باشد و یا اینکه از یک حدی بیشتر باشد، در هر دو حالت احساس ناامنی بوجود می‌آید. در این زمینه عدد مشخصی نمی‌توان داد، زیرا بستگی به جنسیت افراد، از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از محله‌ای به محله دیگر تاثیر متفاوتی پدید می‌آید. این طور به نظر می‌آید که زنان نسبت به مردان در فضاهای شلوغ‌تر، احساس امنیت بیشتری می‌کنند. امنیت ارتباط متناظری با آشنایی با فضا دارد، هرچه فضا آشناتر باشد و یا حس مالکانه بر آن افزایش یابد امنیت در آن بیشتر حس می‌شود، به همین خاطر است که افرادی با سابقه سکونت بالا در محلات ناامن به لحاظ وقوع جرم و جنایت، باز هم در آن‌ها احساس امنیت می‌کنند. با ابزار طراحی محیط هم می‌توان تا حدی بر افزایش امنیت موثر بود ولی محدودیت‌های جدی در این زمینه وجود دارد، زیرا هیچ گاه نمی‌توان کلیّت یک فضای ناامن را تغییر داد (اسدی محل چالی، ۱۳۹۴، ۷۶).

حکومت ابزار مختلفی دارد که در راستای امنیت بیشتر گام برمی دارد، مشهد شهرداری بسیار قوی و مطمئنی دارد که این امر به دلیل ثروت بسیار زیاد آستان قدس ممکن گردیده است. به گونه ای که به زعم اکثر متخصصین شهرداری مشهد از شهرداری تهران ابزارهای اجرایی قوی تری دارا می باشد. حکومت مشهد از طرفی به توسعه حرم رضوی می اندیشد، که اگر همین گونه ادامه یابد در آینده شاهد تقسیم شهر به دو بخش شهر رضوی و شهرستان مشهد خواهیم بود. در راستای تحقق این هدف مسئولین شهری از هیچ فضاری دریغ نمی کنند. در صورتی شهرداری مشهد در هدف خود مستدام خواهد بود که بتواند رضایت مردم را جلب نماید، چیزی که در حال حاضر اصلا ممکن نیست. رضایت شهروندی زمانی حاصل می شود که شهروندان در راستای تحقق حکمروایی خوب شهری توانمند شوند و این توانمندی بایستی به گونه ای اجتماع محور صورت پذیرد.

---

[۳] Security

تساوی حقوق شهروندی : بر اساس این اصل، اگر قانونی برای فردی از افراد جامعه یا صنفی از صنوف اجتماعی وضع شده باشد و جعل قانون ناشی از ویژگی خاص فرد و یا صنف معیین نباشد، این قانون شامل سایر افراد و صنوف در زمین ها و سرزمین های گوناگون نیز خواهد بود و آن قانون فرازمانی و فرامکانی تلقی خواهد شد (نقی ایازی، ۱۳۸۷، ۱۱۳).

حقوق شهروندی در شهر مشهد

شاید اگر از خیلی‌ها بپرسیم شهروند کیست؟ پاسخ بدهند؛ شهروند کسی است که در شهر زندگی می‌کند! اما واقعیت این است که شهروند، صرفاً کسی نیست که در شهر زندگی می‌کند. هرچند در لغت، چنین معنایی از آن ادراک می‌شود، اما شهروند معنایی فراتر از این دارد. در یک تعریف ساده و ابتدایی شاید بتوان گفت؛ شهروند به تک تک افرادی که در یک جامعه یا کشور زندگی می‌کنند، گفته می‌شود.

در این تعریف، کلیه افرادی که در محدوده جغرافیایی یک کشور زندگی می‌کنند و نیز افرادی که به عنوان تبعه در خارج از مرزهای آن کشور زیست می‌نمایند، شهروند تلقی می‌شوند. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که: با این تعریف، آیا شهروندان همان اتباع یک کشور نیستند؟ باید گفت؛ نه! شهروندان با اتباع تفاوت دارند. اگرچه این دو، دارای نقاط مشترکی هستند، اما وجوهی متمایز و متفاوت از هم نیز دارند که در تعیین جایگاه آن‌ها در جامعه و حقوق و تکالیف ناشی از آن مؤثر و تعیین کننده است. در واقع تابعیت رابطه‌ای صرفاً سیاسی است که فردی را به دولتی مرتبط می‌سازد. به طوری که حقوق و تکالیف اصلی وی از همین رابطه ناشی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲). در این رابطه، تابعیت فرد باید با احراز شرایطی توسط دولت یا قانون پذیرفته شود، تا فرد به یک دولت مرتبط شده و تابعی از آن دولت محسوب شود. موقعیت اتباع بر سلسله مراتب و سلطه دلالت دارد (فالکس، ۱۳۸۱).

توانمندسازی اجتماع محور تکنیکی است که می تواند در زمینه تبدیل مشهد به الگوی شهری ایرانی- اسلامی گام های اساسی بردارد (اسدی محل چالی، ۱۳۹۳، ۵۲). چرا که اکثر کسانی که در محدوده های مجاور حرم رضوی ساکن هستند سرمایه های انسانی و افراد بومی را شامل می شوند که هم اکنون به شهرداری به عنوان نهادی سرکوب‌گر می نگرند. شهرداری خانه های آنان را به قیمتی بسیار ارزان می خرد و تحویل هتل سازانی می دهد که تراکمی بسیار بالا را به مرکز شهر تحمیل می کنند. این رفتار نمی تواند در زمینه الگوی ایرانی- اسلامی جایی داشته باشد. این همان جایی است که حقوق شهروندی پایمال می‌شود. ساکنان شهر مشهد هرگز خود را شهروند حقیقی نمی‌دانند، زیرا در فرآیند تصمیم‌گیری شهرداری جایگاهی ندارند و حتی اجازه ندارند آن‌طور که می‌خواهند در شهر رفتار کنند. به هر حال حقوق شهروندی هم‌ردیف مفاهیمی چون آزادی، امکان حضور، مالکیت، دسترسی برابر، عدالت، آرامش، امنیت، آسایش و موارد اینچنینی است که نه تنها در مشهد بلکه در سایر شهرهای ایرانی هم جای تأمل و تردید دارد.

زیبایی : حضرت امیر المومنین می فرماید خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که نمود نعمتش را در بنده اش ببیند و در حدیث دیگری نیز آمده است که خدا، معمار بزرگ هستی پیوسته مظاهر وجود خود را زینت داده و مزین کرده است (صارمی، ۱۳۸۷، ۴۴). همچنین امام صادق می فرمایند که هرکه جامه اش را بیاراید، بوی خوش بر خویش بیامیزد و خانه اش را سفید (گچ) کند و آستانه خانه اش را از خاکروبه بیالاید خداوند بر روزی وی بیفزاید (همان، ۴۵).

زیبایی در شهر مشهد

زیبایی قبل از زیبا مطرح است و اصلاً زیبا مهم نیست. مجنون در منظومه وحشی بافقی می‌گوید من چیزی در لیلی می‌بینم که شما نمی‌بینید و آن اشاره به همان زیبایی دارد. در این‌جا می‌شود نسبت زیبایی با زیبا را مطرح کنیم که از نوع علّی و معلولی نیست، بلکه اِفاضی و اِشراقی است. برای فهم موضوع باید گفت که هر زیبایی در آن عالم، زیبایی خداست. در واقع تمام موجودات مظهر او هستند که خود ظاهر است. درواقع زیبایی در وجود اقدس حق تعالی ظاهر است درک آن تنها با علم حضوری در پیشگاه او از طریق معراج ممکن است. در عرفان اسلامی هر جا صحبت از «آن» شد، مقصود همان حقیقت زیبایی است که نزد خداوند است و به هر که بخواهد می‌دهد. خواجه حافظ شیرازی می‌فرماید:

شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد ---*--- بنده طلعت آن باش که آنی دارد

زیبایی شهر مشهد به نگین طلایی حرم امام رضا (سلام الله علیه) و فیروزه‌ای گوهرشاد آن است، ولی نمی‌توان از زیبایی‌های دیگر آن گذشت، که شامل بازارهای اطراف حرم است که بازوان خود را به سمت آن از هر چهار طرف گشوده و همچون رکابی قلمکاری شده آن نگین‌ها را دربرگرفته‌اند. اندکی دورتر خانه‌ها همچون دانه‌های تسبیح همه به دور این انگشتر چرخیده و دور آن می‌گردند. گویی خانه‌ها جزئی جدانشدنی از مجموعه مذهبی هستند، که گویی میل و رغبت به سکونت در کنار امام رئوف را می‌رساند. اما در سال‌های اخیر دیده شده است که شهرداری به‌دلیل ارزانی آن خانه‌ها تا توانسته آن‌ها تملک کرده و در طی فرآیند بازسازی تمام روح گذشته آن کوی و برزن‌ها را از بین برده است. ارزان شدن آن زمین‌ها فقط حیلت شهرداری نیست، بلکه قصور مردم را هم می‌رساند زیرا امروزه تا جایی که اوضاع اقتصادی آن‌ها اجازه می‌دهد از حرم امام هشتم دور می‌شوند و همچون دانه‌های تسبیح که پاره شده باشد، هرکدام به سرعت در حال گریز از مرکزی هستند که روزی برای بودن در کنار آن سر و دست می‌شکستند. امروزه مشهد دیگر به اندازه گذشته زیبا نیست و زیبایی خود را به پای کلانشهر شدن باخته است.

نظم و تقارن : در آفرینش نظام هستی خداوند همه چیز را دقیق و اندازه گیری شده و با نظم آفرید. اصولا تقارن قانونی است که همواره در چشم انسان به شئ و جسم حالتی متکامل و آسمانی بخشیده است و در عین حال ایستایی و استحکام و زیبایی ماورائی شئ متقارن انگار همیشگی و ازلی است و نقص و نسبیت در آن راه ندارد و این همان معنایی است که معمار سنتی ما دنبال می کند (صارمی، ۴۶). تقارن از جزء تا کل بنا، از یگ گل یا نقش ساده بر روی دیوار تا مجموعه ساختمان و از نمای یک ایوان تا طرز قرارگیری ارکان مختلف بنا نسبت به هم، همه جا حضور دارد.

سلسله مراتب : «درون گرایی» موجود در شهرها و عمارات مسلمین یکی از اثرات اعمال سلسله مراتب مورد نظر در قلمروهای مختلف حیات فردی و جمعی بوده است. به بیان دیگر اصل اهتمام در نمایش درونگرایی در مجتمع های اسلامی به همراه سایر ارزشها از جمله محرمیت، امنیت، آرامش، خلوت، حیا، اجتناب از ریا و خودنمایی، اجتناب از تفاخر، سادگی، تنظیم شرایط محیطی در اقالیم سخت و توجه به درون (باطن) بیش از بیرون (ظاهر)، سبب شد تا یک نوع سلسله مراتب قوی، روشن و منحصر به فرد در مجتمع های اسلامی تجلی یابد (برقی و تقدیسی، ۱۳۸۷، ۱۲۸).

کثرت : فضای شهری در انبساط خویش روی به کثرت دارد و تنوع، روی به تجزیه شدن دارد و گوناگونی . در این کثیر شدن و گوناگونی، هر جزء و عنصری فارغ از دیگر اجزاء و عناصر هویت، شخصیت و معنای خویش را دارد .هر جزء خود کلی می شود در مقیاس مربوط به خود (برقی و تقدیسی، ۱۳۸۷، ۱۲۸).

از دیگر اصول مهم حاکم بر ساختار فضایی عملکردی شهرهای سنتی اسلامی می توان به اصل وحدت، اصل تمرکز و عدم تمرکز، اصل تجمع، اصل تباین، اصل اتصال، اصل توازن، اصل تناسب، اصل تداوم، اصل قلمرو، اصل سادگی، اصل پیچیدگی، اصل ترکیب، اصل استقرار، اصل زمان و اصل ایجاز اشاره نمود.

خصوصیات کالبدی شهر اسلامی

به منظور برنامه ریزی در این بعد که شامل ارتباطات و حمل و نقل، مسکن، آموزش، بهداشت و فضاهای عمومی می شود سزاوار است این نوع برنامه ریزی منطبق با برنامه های اجتماعی- اقتصادی[۴] صورت گیرد تا شاهد رشد همه جانبه، همگون، موزون و متناسب باشیم. به عنوان مثال، ایجاد فضاهای عمومی از جمله پارک ها و فضاهای سبز و باز و مکان های گذران اوقات فراغت باید متناسب با جنبه های فرهنگی- اجتماعی جامعه مسلمان و منطبق با شرایط زیست و سکونت حال حاضر باشد تا زمینه بروز خلاقیت ها و نوآوری ها فراهم شود (اسدی محل چالی، ۱۳۹۴، ۲۱۱).

در حوزه ارتباطات، توجه به توسعه خطوط مواصلاتی در جهت تعامل شهروندان با سایر نقاط فراهم شود تا ضمن انتقال ایده ها و تجربیات، مبادلات فرهنگی به درستی و با سهولت محقق شود. و نیز در حوزه تامین مسکن مناسب، فرهنگ سازی متناسب با داشته ها و فرهنگ دینی ایجاد شود و این امکان به طرق مختلفی از جمله اجاره های طولانی مدت، اعطای وام های با بازپرداخت طولانی و با سودهای کم و راهکارهای دیگر کارشناسی و متناسب با هر شهر عملیاتی شود.

ایجاد امکانات آموزشی در راستای ارتقاء سطح تحصیلی و دانش افزایی، از اصول اساسی می باشد که مورد توجه شریعت بوده و تاکید مضاعفی به آن شده است. در حوزه تامین بهداشت و درمان و حفظ سلامت عمومی شهروندان نیز راهکارهایی متناسب با جمعیت و بهره مندی از آخرین دستاوردهای پزشکی طراحی شده تا امکان استفاده برای همگان تسهیل گردد و بهزیستی همگانی و فراگیر مد نظر برنامه ریزان باشد.

مرفولوژی شهر مشهد

در نتیجهٔ تحوّلات ساختاری -کارکردی ایران میزان شهرنشینی و شهرگرایی در آن به شدّت افزایش یافت که نتیجهٔ آن دگرگونی کالبدی –فضایی شهرها و گسترش بی رویّهٔ آنها بوده است (حبیبی، ۱۳۸۶، ۱۹۵-۱۹۸). اولّین آثار این روند در حاشیهٔ شهرهای بزرگ همچون تهران، مشهد، تبریز و اصفهان به صورت زاغه، حلبی آباد، گودنشینی و ... تبلور یافت و مشکلات سیستمی در فضای شهرها به ویژه در بخش مسکن، چالش هایی فراروی مدیران شهری و مسئولان قرار دارد؛ یعنی توّرم بخش ساختمان و بور سبازی زمین از یک طرف و پیدایش قشر جدید اجتماعی به نام کم درآمدها از طرف دیگر سکونتگاه‌های غیررسمی را معنی و مفهوم بخشید و حاشی هنشینی را به جای آلون کنشینی تقویت کرد (بسکی، ۱۳۷۵، ۸۴). اکنون شاهد

---

[۴] Socio-Economic Plans

زایش نابه‌هنجارها، و آسیب‌های جدّی در حوزهٔ اجتماعی و اقتصادی کلانشهرهای کشور هستیم. در واقع روند مهاجرت های بی رویّهٔ روستایی – عشایری به همراه خشکسالی و تنگناهای اقتصادی منجر به افزایش جمعیّت حاشیه نشینی شهرها به ویژه کلانشهرها شده است (پاپلی، ۱۳۸۰، ۱۱). درحال حاضر شکلگیری قشر وسیعی از اقشار جامعه شهری با بحران هویّت و دلزدگی در حاشیهٔ کلانشهرهای ایران و فقدان برخورد اصلاحی (به جای دفعی) با سکونتگاه های غیررسمی و حاشی هنشینی، چالش های مهمّی در مدیریت شهری وجود آمده است. توجّه به آمار رو به افزایش اسکان غیررسمی در برخی کلانشهرهای ایران عمق ناپایداری را ملموس تر می نماید. گرانی زیست شهری (نرخ فزایندهٔ بیکاری، تورّم مستمر و ...) کاهش کیفیّت زیست شهری (گرانی مسکن، تراکم ترافیکی، کاهش کیفیّت خدمات شهری و ...) و مسائل سکونتی (عمدتاً گسترش سکونتگا ههای غیررسمی) در حاشیهٔ کلانشهرها از مهمترین چالش های ناپایداری شهری در ایران بشمار می روند. با این وصف، برداشتی خاص از چالش های موجود در نظام مدیریّت شهری کشور داریم و آن روند مسلّط ناپایداری رشد و توسعهٔ کلانشهرهای ایران است؛ چرا که ارزیابی روند توسعهٔ و میزان بهره برداری بی رویّه از محیط (به ویژه منابع تجدید ناپذیر مثل نفت)، کاهش کیفیّت شاخص های توسعهٔ شهری (در حال حاضر) این برداشت را القاء می کند.

تصویر ۴) عکس قدیمی شهر مشهد

لذا این روند را به سوی ناپایداری توسعهٔ جهانی به طور عام و ناپایداری توسعهٔ شهری ایران به طور خاص ارزیابی می کنیم. برداشت نگارنده از روند توسعهٔ ناپایدار کلانشهر مذهبی مشهد نیز به افزایش مساکن خارج از محدودهٔ قانونی شهر، فقدان استانداردهای لازم در ساختمان سازی، عدم رعایت قوانین شهرسازی و فقدان مشارکت بهبود محیط شهر مربوط است. بنابراین، اوّلاً باید در اجرای سیاست هایی همچون حفظ فضای سبز، پاکیزگی آب، جلوگیری از آلودگی ها و کاهش تولید زباله در سطح محلّی که در توسعهٔ پایدار شهری نقش مسلّط دارند، تأکید نمائیم، ثانیاً به راهکارهایی مثل کاهش تردّد درون شهری، افزایش فشردگی کالبدی در توسعهٔ شهری، کاهش مصرف منابع و مواد زائد شهری، بهبود زیست شهری از طریق جلب مشارکت شهروندان در ادارهٔ امور محلّی، تقویت اقتصاد شهری و به تبع آن کاهش فقر شهری به اتّکاء جامعهٔ

مدنی و اجتماعات محلّی در ایجاد و بسترسازی پایداری محیط در سطح ملّی و بین المللی ایمان راسخ داشته باشیم و در این راستا بکوشیم؛ ثالثاً نباید رویکرد حکومت انسانی در شهرها با نگرش اکولوژیکی و اتّحاد کلانشهرهای جهانی در بهبود کیفیّت زندگی شهری را فراموش کرد؛ یعنی درک صحیح از رابطهٔ بین توسعه و محیط زیست بدست آوریم و بر اساس این واقع بینی برای توسعهٔ پایدار شهری (با ملاحظات اکولوژیکی) برنامه ریزی و سیاس تگذاری نمائیم. بدون شک چنین رویکردی در پایداری توسعه و محیط، به ویژه محیط زیست انسانی در گسترش عدالت اجتماعی و توسعهٔ جامعه ای اکولوژیک که مقبول نظام بین المللی باشد، مؤثّر واقع خواهد شد.

شاخص های معماری و شهرسازی اسلامی در ارتباط با شرایط عصر حاضر

شهر اسلامی برگرفته از فرهنگ ذهنی و تفکر غنی اسلامی است که نمود عینی یافته است. این شهر با انعطاف چشمگیر خود در حکم الگوواره ای است که می تواند در هر عصری در روح آن زمان توسعه یابد و در عناصر آن جلوه نماید. شهر اسلامی تنها اصول نیست که فقط آن ها را در معماری و شهرسازی لحاظ کرد، بلکه این تفکر فراتر از آن قدم برداشته و تبدیل به ذهنیتی شده است که سازندگان و توسعه دهندگان شهر را بر آن داشته است تا شهری اسلامی ساخته و الزامات محیطی را بر آن منطبق سازند. دیگر شهرسازان و معماران با تفکر شهر اسلامی وارد عرصه طراحی و ساختمان می شوند و به دنبال اسجاد عناصر شهری و معماری گذشته نیستند. در واقع با روی هم گذاری شرایط و نیازهای عصر کنونی با اصول و مبانی اسلامی وارد عمل می شوند.

شاخص های شهر اسلامی همانند در جهت قبله ساختن خانه ها با انعطاف اسلام در سابقه تمدن ها همراه بوده است، بطور مثال خانه هایی که تا پیش از پیدایش اسلام شمال- جنوبی ساخته می شد با اندکی چرخش به سمت قبله تغییر جانب دادند (پاکزاد، ۱۳۹۰، ۱۷۳). بنابراین می توان اینگونه نتیجه گرفت که شاخص های معماری و شهرسازی اسلامی با روحیه منعطف اسلام در جان و اندیشه معماری و شهرسازی سنتی ما نفوذ کرده است بنابراین در اکثر موارد این دو مفهوم را می توان به صورت متناظر در نظر گرفت.

روحیه شهرسازی اسلامی بر پایه اعتقادات مردم نسبت به رعایت حقوق دیگران، برقراری امنیت در شهر، بندگی خدا کردن، تسهیل حرکت در شهر، آرامش و رفاه در شهر و موارد اینچنینی می باشد که به ترتیب نمود کالبدی هرکدام واحدهای همسایگی، نظمیه ها، مساجد، راههای شهری و خانه های مسکونی است. با توجه به اینکه اسلام دین کاملی است می توان اذعان نمود که در این دین مبین به تمام رفتارهای انسان به خصوص سبک و نوع زندگی آن ها در شهرها توجه کافی شده است (اسدی محل چالی، ۱۳۹۴، ۲۱۳).

این شاخص ها قابلیت خود تنظیمی[۵] دارند و تنها باید ترجمان صحیحی از آن ها با توجه به شرایط عصر حاضر صورت پذیرد. اصولی مثل عدالت، سلسله مراتب، کثرت، وحدت، امنیت و آرامش می تواند در جزء جزء زندگی انسان ها در شهر لحاظ شود و هیچ گاه کهنه نمی گردد. ریشه بسیاری از مسائل و مشکلاتی که در عصر حاضر ملت ها دچار آن شده اند را می توان در عدم رعایت اصول کلی داتست که به نفع تمام افراد جوامع بشری است و مانع تضییع منافع افرادی خاص می شود. این اصول قابل شاخص گذاری هستند که در جدول زیر به آن پرداخته می شود. شاخص ها قابلیت شرح و بسط در جوامع مختلف و با رویکردهای

---

۵) Self-Regulating

گوناگون را دارد، بنابراین نمی توان بطور حتم شاخص ها را کامل دانست بلکه با توجه به متغیرهای درنظرگرفته شده، این جدول تکمیل گشته است :

شهرسازی و معماری	اصول کلی	اصول فرعی	شاخص ها
شهرسازی و معماری اسلامی	عدالت	دسترسی توزیع منافع سکونتی برخورداری از امکانات	۱. مردم باید بتوانند به سهولت به هر نقطه ای که می خواهند دسترسی داشته و در هر جاییکه می توانند و ممکن است زندگی کنند. ۲. باید منافع و امکانات زندگی شهری عادلانه توزیع گردد
	زیبایی	پیمون نیارش پرهیز از بیهودگی مردم واری	۱. معماری اسلامی باید به مردم توجه ویژه نماید ۲. سادگی مهمترین اصل معماری اسلامی است ۳. تناسبات در معماری اسلامی و نیز ایجاد شکل های موزون همچون قوس و طاق ها جایگاه ویژه ای دارد
	درونگرایی	ظاهر ساختمان ها درون ساختمان ها	۱. مسلمانان به محرمیت اهمیت ویژه ای می دهند و زندگی خصوصی خود را از زندگی در بیرون جدا می نمایند
	ایمنی و امنیت	جنبه های روانی جنبه های فیزیکی	۱. ایمنی لازمه ثبات شهر های اسلامی است ۲. امنیت خاطر باید برای شهروندان فراهم شود
	آرامش و رفاه	سکونت اصالت بر مردم	۱. در اسلام تاکید ویژه ای بر آرامش در خانه می شود ۲. مردم اصل هستند و حکومت به نفع ایشان عمل می کند
	خودکفایی	مصالح ساختمانی انطباق با محیط	۱. خودکفایی یعنی عدم وابستگی کامل به خارج ۲. این مفهوم با معماری بوم آورد مترادف است

جدول ۲) شاخص گذاری اصول شهرسازی و معماری اسلامی

نتیجه گیری

ابعاد زندگی انسان در طول تاریخ ثابت مانده است که ما آن را در قالب سکونتی، مذهبی، حکومتی و تجاری طبقه بندی نموده ایم. البته شرایط زندگی در عصر حاضر متفاوت از آن زمان می باشد، ما تاسیساتی را نیاز داریم که در آن زمان معنا نیافته بود و در ضمن تاسیساتی در آن زمان بوده است که با تحول در معنی دیگر بطور مستقیم مورد استفاده ای برای شهر ندارند. همه ما می دانیم که روح تعالیم اسلامی با انعطاف و مبتنی بر سعادت بشری است و رعایت آن ها موجب کسب منفعت و رفع مضرات می شود بنابراین اکثر مردم درباره مفاهیم اساسی چون عدالت، آزادی، منافع همگانی، منافع طبقه محروم، دسترسی سهل، شهر ایمن و غیره توافق نظر دارند و می توان آن ها را در طراحی ها لحاظ نمود.

توسعهٔ مشهد پس از خیابان کشی های دورهٔ پهلوی اول و تحولات اجتماعی و اقتصادی ناشی از جنگ جهانی دوم در دههٔ ۱۳۲۰ در سطح کشور، بسیار سرعت گرفت . در این تحولات مساحت شهر طی این دوره تقریباً ۲۴ برابر شده است. شایان ذکر است که جمعیت مشهد در همین دوره از ۵۷۰۰۰ نفر به ۱۴۶۰۰۰۰ نفر افزایش یافته و یا به عبارتی ۲۵ برابر شده است. در مقایسهٔ این دو عامل توسعه با یکدیگر میتوان استنتاج کرد که این دو شاخص، دارای رشد متناسبی بوده اند . لیکن توجه به عواملی دیگر در اینجا ضروری است:

۱- افزایش چشمگیر تعداد زائران مشهد به دلیل گسترش امکانات حمل و نقل در دورهٔ صد سالهٔ مورد بررسی یکی از دلائل بسیار عمده در توسعه شهر و مؤثر در بهره برداری از فضا و رشد کالبدی شهر بوده است.

۲- شهر مشهد به عنوان رشد یافته ترین کانون محل ارائه خدمات روز آمد در پهنه های جغرافیایی پیرامون، استان‌های خراسان و محور شرقی ایران، محل مراجعه و دریافت خدمات است و یکی از شاخص های مؤثر در توسعهٔ کالبدی و وسعت این شهر بوده است.

۳- تحول در امکانات ساخت وساز و گونهٔ توسعهٔ کالبدی شهرها به ویژه طی ۱۰۰ سالهٔ اخیر عاملی است که تناسب خطی میان توسعهٔ جمعیت و وسعت کالبد شهر را به هم زده است . با توجه به این نکته، برابری رشد دو شاخص جمعیتی و وسعت شهر می تواند به این نتیجه گیری رهنمون شود که «شهر مشهد با اتکا به امکانات روزآمد در توسعهٔ کالبدی در مقایسهٔ رشد جمعیت با گسترش وسعت شهر، رشدی بیش از حد بر سطح افق داشته است».

با توجه با ساختار کلی تحقیق این نتیجه حاصل می شود که شاخص گذاری به تنهایی برای تحقق پذیری شهر اسلامی کافی نمی باشد و باید این شاخص ها مناسب سازی شود. تا حدودی سعی بر این بود که ابعادی از معارف اسلامی روشن گردد و شهر اسلامی که از زمان پیامبر بر آن تاکید گشته تبیین شود. شهرسازی اسلامی آمیخته با معماری اسلامی است و هرگز نمی توان این دو بنیان اصلی شهرها را از هم جدا نمود و برای هر کدام به تنهایی برنامه ریخت. شهر تشکیل شده از خانه ها، ادارات، بازارها، مساجد و دیگر مکان هایی است که معماری اسلامی می تواند در آن رخ داده باشد و معماری نیز در بستری شکل می گیرد که تجربه شهرسازی اسلامی را داشته است. بنابراین شهر اسلامی از ترکیب این دو بنیان پدید می آید. تعامل هرچه بیشتر معماران، برنامه ریزان و طراحان شهری می تواند به تحقق پذیری هر چه بیشتر شهر

اسلامی و نیز تحقق شاخص های مبتنی بر اصول آن کمک نماید. شهر اسلامی همانطور که در متن به آن اشاره گشت، برای دولت اسلامی به عنوان یک ضرورت تلقی می گردد.

مآخذ

* اسدی محل چالی، مسعود (۱۳۹۳) توانمندسازی اجتماع محور، در راستای تحقق حکمروایی خوب شهری، انتشارات آرمانشهر.
* اسدی محل چالی، مسعود (۱۳۹۴) فراتر از شهرسازی، آن‌چه برنامه‌ریزان و طراحان ایرانی باید بدانند، انتشارات آرمانشهر.
* ایازی، سید علی نقی (۱۳۸۷) تبیین اندیشه اسلامی پیرامون شهر و شهرنشینی با تاکید بر متون دینی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمانشهر اسلامی، به کوشش اصغر منتظر القائم، دانشگاه اصفهان.
* برقی، حمید؛ تقدیسی، احمد (۱۳۸۷) بررسی چگونگی شکل گیری شهرهای اسلامی و ویژگی های آن، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمانشهر اسلامی، به کوشش اصغر منتظر القائم، دانشگاه اصفهان.
* بسکی، سهیلا (۱۳۷۵) مسکن غیررسمی، فصلنامه آبادی، تهران، سال ششم، شماره بیست و سه.
* پاپلی، محمدحسین (۱۳۸۰) اولویت حل مشکلات شهری ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۱.
* پاکزاد، جهانشاه (۱۳۹۰) تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، از آغاز تا دوران قاجار، انتشارات آرمانشهر، تهران.
* توسلی، محمود؛ بنیادی، ناصر (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری، فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، انتشارات شهیدی، چاپ دوم.
* جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲) ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ سیزدهم.
* حبیبی، محسن (۱۳۸۶) از شار تا شهر، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
* سنایی، عباسعلی؛ احمدوند، زینب (۱۳۸۷) برخی از اصول حاکم بر مناسبات شهرسازی و شهروندی در متون اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمانشهر اسلامی، به کوشش اصغر منتظر القائم، دانشگاه اصفهان.
* صارمی، حمیدرضا (۱۳۸۷) ساختار شهر اسلامی، انتشارات موسسه فرهنگی، اطلاع رسانی و مطبوعاتی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران.
* فالکس، کیت (۱۳۸۱) شهروندی، ترجمه محمد جعفر دلفروز، انتشارات کویر، تهران.